

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

انطباق «مکاشفات یوحناى الهى»

با

روایات اهل بیت پیامبر اسلام ﷺ

کتاب مقدس، کتابی است که شامل تورات، انجیل و کتب انبیاء الهی ﷺ می شود. آخرین کتاب از کتاب مقدس، کتابی به نام «مکاشفات یوحناى الهى» است که مشتمل بر بیست و دو باب و هر باب مشتمل بر چندین آیه می باشد.

این کتاب، جزو کتب مقدس مسیحیان به شمار می رود. مسیحیان بسیار روی مطالب این کتاب کار می کنند و از آن مطالبی را در باره اتفاقات آخرالزمان بیان می کنند. دقیقاً مشخص نیست که جناب «یوحنا»، نویسنده این کتاب، همان یوحناى الهى است که از حواریون و شاگردان حضرت عیسی ﷺ بوده است یا این که شخص دیگری، هم نام اوست که با زمان حضرت عیسی ﷺ فاصله داشته است. به هر حال ایشان این کتاب را نوشته است و در آن مدعی شده که به آسمان عروج کرده و در آن جا اموری را مشاهده نموده است.

مطالب این کتاب تماماً رمزآلود و نمادین است و بطور شگفت آوری اکثر مطالب آن منطبق با روایات اسلامی و مذهب شیعه می باشد و به اهل بیت پیامبر ﷺ اشاره می کند. قسمت هایی از کتاب را می خوانیم و آنها را با آیات قرآن و روایات اهل بیت ﷺ مطابقت می دهیم. ناگفته نماند که ما در کمال اختصار آن را شرح می نمایم، چه اگر بخواهیم تمام احادیث مرتبط را جمع آوری نمایم، از حجم مقاله خارج می شود.

(باب اول / آیه ۱) مکاشفه عیسی مسیح که خدا وی را عنایت نمود تا آنکه اموری را که زود واقع می‌گردد (یعنی امور آینده را) بر بندگان خود ظاهر سازد و او فرشته خود را فرستاد و بواسطه او بر بنده خود یوحنا نمودار گردانید.

می‌گوید: خدا فرشته خود را فرستاد و آن فرشته بر جناب «یوحنا» ظاهر شد و ایشان را به آسمان برد. ایشان، آنجا اموری را مشاهده می‌کند. می‌گوید: وقتی به آسمان رفتم، فرشته یا شخصی را دیدم که: (۱۵) پاهای او مانند برنج صیقلی گویا در تنور پر آتش می‌بود و آوازش چون صدای آب‌های بسیار. (۱۶) و داشت در دست راست خود هفت ستاره را و از دهانش شمشیر دو دمه تیز بیرون می‌آمد (منظور از شمشیر دو دمه، «ذوالفقار» است.) و صورتش چون آفتاب که هنگام اوج قدرتش می‌تابد. (یعنی صورتش مثل خورشید میدرخشید.) (۱۷) چون وی را دیدم چون مُرده نزد قدم‌های وی افتادم (یعنی به روی پاهای او افتادم) لیکن او دست راست خود را بر من نهاد و مرا گفت که مترس که منم اول و آخر. (۱۸) و زنده هستم و مرده بودم و الحال تا ابد آباد زنده هستم. آمین و کلیدهای جهنم و مرگ نزد من است.

این عبارت از جمله عباراتی است که در کلمات امیرالمؤمنین علیه السلام به چشم می‌خورد. از جمله در «مدینه معاجز الأئمة الإثني عشر»، از سید هاشم بحرانی، آمده است:

«فَقَالَ: أَنَا الَّذِي عَلَوْتُ فَقَهَرْتُ، أَنَا الَّذِي أَحْيَيْتُ وَأَمَيْتُ، أَنَا «الْأَوَّلُ وَالْآخِرُ وَالظَّاهِرُ وَالْبَاطِنُ».

حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: من همانم که علو و برتری می‌جویم و قهر و غلبه می‌کنم. من همانم که زنده می‌کنم و می‌میرانم. من اولم، من آخرم، من ظاهرم، من باطنم.

جناب یوحنا می‌گوید: مرا گفت مترس که منم اول و آخر و زنده هستم و مرده بودم. (در واقع اینجا در ترجمه از زبان عبری، نتوانسته است عبارت را درست در بیاورد.)

امیرالمؤمنین عَلَيْهِ السَّلَامُ نیز می فرماید: من می میرانم و زنده می کنم.

جناب یوحنا فرمود: کلیدهای جهنم و مرگ نزد من است. در روایات ما نیز آمده است: «کلیدهای بهشت و

جهنم در نزد امیرالمؤمنین عَلَيْهِ السَّلَامُ است.»

«وَعَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ أَنَّهُ قَالَ: يَا عَلِيُّ أَنْتَ صَاحِبُ الْجَنَانِ وَ قَاسِمُ النَّيْرَانِ أَلَا وَإِنَّ مَالِكاً

وَرِضْوَانَ يَأْتِيَانِي عِدًّا عَنْ أَمْرِ الرَّحْمَنِ فَيَقُولَانِ لِي يَا مُحَمَّدُ هَذِهِ مَفَاتِيحُ الْجَنَّةِ وَ النَّارِ هِبَةٌ مِنَ اللَّهِ إِلَيْكَ

فَسَلِّمْهَا إِلَيَّ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ فَأَذْفَعَهَا إِلَيْكَ فَمَفَاتِيحُ الْجَنَّةِ وَ النَّارِ يَوْمَئِذٍ بِيَدِكَ تَفْعَلُ بِهَا مَا تَشَاءُ.»^۱

ابن عباس از پیامبر اکرم صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ نقل کرد که فرمود: یا علی! تو صاحب بهشت و تقسیم کننده جهنم هستی.

آگاه باش که مالک و رضوان فردا از جانب خدا می آیند. پس به من می گویند: ای محمد! اینها کلیدهای بهشت

و جهنم است که به تو داده می شود. آنها را به علی بن ابی طالب تسلیم کن. کلیدهای بهشت و جهنم در اختیار

توست هر کار بخواهی می کنی.

بعد جناب یوحنا می گوید: این شخص یا فرشته، پیغام هایی به من داد که برای کلیساها بفرستم. از جمله

این که فرمود:

(باب دوم / آیه ۱۲) بنویس که صاحب شمشیر دو دمه تیز این را می فرماید... (منظور از صاحب

شمشیر دو دمه، صاحب ذوالفقار یعنی امیرالمؤمنین عَلَيْهِ السَّلَامُ است.)

و بعد می فرماید:

(باب سوم / آیه ۱۴) به فرشته کلیسای «لأودیکه» بنویس که آن شاهد امین راستگوی مبدأ

خلقت خدا این را می فرماید...

شاهد و امین از صفات پیامبر ﷺ در قرآن است. آیه قرآن می فرماید: ﴿يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ إِنَّا أَرْسَلْنَاكَ شَاهِدًا وَمُبَشِّرًا وَنَذِيرًا﴾^۱ و ﴿إِنِّي لَكُمْ رَسُولٌ أَمِينٌ﴾^۲. «محمد امین» نیز از القاب ایشان است. و منظور از «مُبدِئاً» خلقت خدا، پیامبر اکرم ﷺ می باشد که اول مخلوق خداوند است.

در این زمینه احادیثی در جوامع روایی فریقین موجود است.

روایت: «جابر بن عبد الله، قال: سألت رسول الله ﷺ عن أول ما خلق الله تعالى، فقال: يا جابر، أول ما خلق الله نور نبيك.»^۳

جابر بن عبدالله می گوید: از رسول الله ﷺ در مورد اولین مخلوق خداوند سؤال کردم. حضرت ﷺ فرمود: ای جابر، اولین چیزی که خداوند خلق کرد، نور پیامبر تو بود.

و از آنجا که رسول خدا ﷺ و امیر مؤمنان ﷺ اتحاد نوری دارند، «أَوَّلُ مَا خَلَقَ اللَّهُ» نور هر دوی آنان بلکه نور تمامی ائمه اثنی عشر ﷺ را شامل می شود.

در ادامه می فرماید:

(۲۱) و هر کس که غالب آید من این را به وی می دهم که در تخت من با من بنشیند...

«عَنْ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ ﷺ قَالَ: لِلْقَائِمِ مِنَّا غَيْبَةً أَمَدًا طَوِيلًا... أَلَا فَمَنْ تَبَتَ مِنْهُمْ عَلَى دِينِهِ وَلَمْ يَشُقْ قَلْبُهُ لَطُولِ أَمَدِ غَيْبَةِ إِمَامِهِ فَهُوَ مَعِيَ فِي دَرَجَتِي يَوْمَ الْقِيَامَةِ»^۴. ترجمه: از امیر مؤمنان ﷺ روایت است که می فرماید: «برای قائم ما غیبتی است که مدتش طولانی است... بدانید هر که در آن دوران در

۱. الأحزاب: ۴۵

۲. الشعراء: ۱۰۷، ۱۲۵، ۱۴۳، ۱۴۳، ۱۶۲، ۱۷۸ / الدخان: ۱۸

۳. دیلمی، حسن بن محمد، غرر الأخبار؛ ص ۱۹۵

۴. ابن بابویه، محمد بن علی، کمال الدین و تمام النعمة - ج ۱؛ ص ۳۰۳، ح ۱۴ / بحار الأنوار (ط - بیروت) - ج ۵؛ ص ۱۰۹، ح ۱

دینش استوار باشد و قلبش به واسطه طول غیبت امامش سخت نشود، او در روز قیامت هم درجه من خواهد بود.»

اینجا هم که می گوید: هر کس غالب آید، در تخت من بنشیند. یعنی هر کس استقامت کند، هم درجه من باشد.

جناب یوحنا سیرش را در آسمان ادامه می دهد تا جایی که می گوید:

(باب چهارم / آیه ۲) فی الفور در روح شدم که ناگاه تختی در آسمان گذارده شد و بر تخت نشیننده‌ای. (۳) و آن نشیننده تخت در شمائل چون سنگ یشم و یاقوت بود و قوس و قزحی بر گرد آن تخت بود که رنگ زمرّد داشت. (۴) و بر اطراف آن تخت بیست و چهار تخت بود و دیدم که بیست و چهار بزرگ بر آن تخت‌ها نشسته و رخت‌های سفید پوشیده و تاجی از طلا بر سرهای خود داشتند. (۵) و بیرون می آمد از آن تخت برقی‌ها و رعدها...

در ذیل آیه ﴿أُولَئِكَ يَجْزُونَ الْعُرْفَةَ بِمَا صَبَرُوا﴾ روایتی هست که می فرماید:

«روزی جناب سلمان رضی الله عنه به امیرالمؤمنین علیه السلام عرض کرد: در مورد شما مطلبی را از رسول خدا صلی الله علیه و آله شنیده‌ام. امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: سلمان، آنچه را که پیامبر صلی الله علیه و آله به تو فرموده، به خود من نیز فرموده است. سلمان گفت: پیامبر صلی الله علیه و آله اینگونه فرمود: یا علی، به تحقیق خداوند تو را به حلم و علم و عرفه‌ای مخصوص گردانیده است. عرفه‌ای که خداوند در قرآن می فرماید: ﴿أُولَئِكَ يَجْزُونَ الْعُرْفَةَ بِمَا صَبَرُوا وَيَلْقَوْنَ فِيهَا تَحِيَّةً وَسَلَامًا﴾^۲.

۱. الفرقان: ۷۵

۲. الفرقان: ۷۵

به خدا قسم این غرفه ای است که هیچکس در آن قدم نگذاشته و تا ابد کسی در آن قدم نخواهد گذاشت تا تو مقابل پروردگارت بایستی. به درستی هر روز هفتاد هزار فرشته برای تزئین و مرمت این غرفه می آیند و میروند تا تو وارد آن شوی. پس خداوند اهل بیت تو را در آن غرفه بر تو وارد می کند.

یا علی، به خدا قسم در آن غرفه، تختی از نور است که هیچ ملکی قادر نیست به آن نظر کند. این تخت جایگاه توست یا علی، روزی که داخل آن غرفه شدی و خواستی که بر آن تخت بنشینی، خداوند تمام اهل آسمان را سر پا نگه می دارد تا تو در جایگاهت جلوس نمایی. پس هیچ ملکی در آسمان و حول این تخت باقی نمی ماند، مگر این که می آید و از جانب حضرت رحمان به تو تحیت و سلام می گوید.^۱

جناب یوحنا هم می گوید: تختی دیدم که کسی بر آن نشسته بود و دور آن تخت را نور رنگین کمان و رنگ-های مختلف فراگرفته بود و آن نور مثل رعد و برق می درخشید.

(باب پنجم / آیه ۱) و دیدم بر دست راست تخت نشین کتابی را که اندرون و پشتش نوشته شده بود و به هفت مهر مختوم بود. (۲) و فرشته توانایی را دیدم که به آواز بلند فریاد نمود که کیست سزاوار آن که کتاب را گشاید و مهر های آن را باز کند. (۳) و هیچکس در آسمان یا در زمین یا در زیر زمین نتوانست که آن کتاب را گشاید یا در آن نگیرد. (یعنی اصلاً کسی نمی توانست به آن کتاب نگاه کند).

(۴) و من بسیار گریستم که هیچ کس پیدا نشد که شایسته آن باشد که آن کتاب را گشاید و بخواند بلکه در آن بنگرد. (۵) و یکی از بزرگان مرا گفت که گریه مکن که اینک آن شیر که از فرقه یهودا و ریشه داود است، غالب آمده است تا آنکه کتاب را گشاید و هفت مهرش را باز کند. (۶) و ناگاه دیدم در میان تخت و چهار حیوان و در وسط بزرگان، بره ای ایستاده بود که گویا ذبح

۱. تفسیر فرات الکوفی - ص ۲۹۳، و من سورة الفرقان / بحار الأنوار (ط - بیروت)، ج ۷، ص: ۳۳۳

شده بود و داشت هفت شاخ و هفت چشم که هفت روح خدایند که به تمامی زمین فرستاده شده- اند. (۷) پس او آمد و کتاب را از دست راست نشیننده تخت گرفت. (۸) و چون کتاب را گرفت آن چهار حیوان و بیست و چهار بزرگ که با هر یک از آنها بربطها و پیاله‌های طلایی که پر از بوهای خوش که دعاهای مقدسان است بود نزد آن بره افتادند. (یعنی تمام آن بزرگان مقابل این بره ذبح شده به سجده افتادند). (۹) و به سرود تازه می‌سرودند و می‌گفتند که تویی سزاوار آن که کتاب را بگیری و مهرهای آن را بشکنی ز آنرو که ذبح شده‌ای و از برای خدا به خون خود از هر فرقه‌ای و زبانی و قومی و طایفه‌ای ما را خریده‌ای.

این بره ذبح شده کیست؟ مسیحیان می‌گویند: این بره ذبح شده، حضرت عیسی مسیح علیه السلام است. در حالی که اصلاً ایشان ذبح نشدند.

در روایت هست که امام رضا علیه السلام به ابن شیب فرمود: «یا ابْنَ شَيْبِ بْنِ كُنْتَ بَاكِيًا لِشَيْءٍ فَأَبْكَ لِلْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ علیه السلام فَإِنَّهُ ذُبِحَ كَمَا يُذْبِحُ الْكَبْشُ»^۱ یعنی: ابن شیب، اگر خواستی برای هر چیزی گریه کنی برای حسین علیه السلام گریه کن. چرا که حسین علیه السلام را ذبح کردند، آن گونه‌ای که قوچی را ذبح می‌کنند.

این عبارت در حدیث پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نیز آمده است که می‌فرمایند: «حسین مرا ذبح می‌کنند، آن گونه‌ای که بره گوسفندی را ذبح می‌کنند.»^۲ و همچنین در احادیث امام صادق علیه السلام و در عبارات حضرت زینب علیها السلام نیز این عبارت دیده می‌شود. پس این تعبیر رمزی دارد.

۱. ابن بابویه، محمد بن علی، عیون أخبار الرضا علیه السلام - ج ۱؛ ص ۲۹۹، ح ۵۸

۲. خصال، ج ۱، ص ۵۸ و ۵۹

در مکاشفات یوحنا می فرماید: فقط آن برّه ذبح شده می توانست آن کتاب را باز کند. و همه مقدسان در مقابل این بره به سجده افتادند پس آن برّه به یک شخص اشاره می کند.

در ادامه می گوید:

(باب پنجم / آیه ۱۰) و ما را به جهت خدای ما پادشاهان و کاهنان گردانیده‌ای و در زمین پادشاهی خواهیم نمود. (۱۱) و نگاه کردم و شنیدم آواز فرشتگان بسیاری را بر دوره تخت و آن حیوان‌ها و بزرگان را که عدد آنها ده هزار ده هزار و هزاران هزار بود. (۱۲) که به آواز بلند می گفتند که سزاوار است برّه ذبح شده که به توانایی و دولت و عقل و زور و عزت و جلال و برکت ستوده شود. (۱۳) و هر مخلوقی که در آسمان و در زمین و در زیر زمین و آنانی که در دریا و هر آنچه در آنهاست شنیدم که می گفتند: نشیننده تخت و برّه را شکر و عزت و جلال و قدرت تا ابد آباد باد.

می گوید: دیدم تمام موجودات عالم دارند بر آن صاحب تخت و برّه ذبح شده، درود می فرستند.

جناب صدوق در کتاب امالی و علل الشرائع از جبله مکیّه از میثم تمار روایت می کند: امیرالمؤمنین علیه السلام به من خبر داد که هر چیزی برای مظلومیت حسین علیه السلام گریه خواهد کرد، حتی: وحشیان صحراها، ماهیان دریاها، پرندگان آسمان، آفتاب، ماهتاب، ستارگان، آسمان، زمین، مؤمنین انس و جن، جمیع ملائکه آسمانها و زمین‌ها، رضوان، مالک و حاملین عرش و از آسمان خون و خاکستر می بارد.^۱

آیا این برّه ذبح شده کسی غیر از امام حسین علیه السلام است؟!

مسیحیان می گویند: منظور از برّه ذبح شده، حضرت عیسی علیه السلام است. در حالی که ایشان اصلاً ذبح نشدند، بلکه به آسمان عروج کردند. عده‌ای قائل اند که ایشان به صلیب کشیده شده است، در این صورت باز

۱. علل الشرائع، ج ۱، ص ۲۱۷؛ امالی الصدوق المجلس ۲۷ تحت الرقم: ۱ / بحار الأنوار (ط - بیروت) - ج ۴۵؛ ص ۲۰۱، ح ۴

هم ذبح نشده است. پس این بره ذبح شده، امام حسین علیه السلام و آن تخت نشین، پدر ایشان امیرالمؤمنین علیه السلام می باشد.

صلواتی از جناب محیی الدین ابن عربی بر چهارده معصوم علیهم السلام هست که ایشان در صلواتی که بر اباعبدالله الحسین علیه السلام می فرستد، اینگونه می فرماید: «فاتحة كتاب الشهادة والى ولاية السيادة»^۱ یعنی: گشاینده کتاب شهادت است و بر همگان سیادت و ولایت و برتری دارد.

در مکاشفات یوحنا نیز گفت: کسی نمی توانست این کتاب را باز کند مگر این بره ذبح شده!

در ادامه می گوید: این بره یکی یکی شروع کرد به باز کردن هفت مهر آن کتاب تا اینکه می فرماید:

(باب ششم / آیه ۹) و چون گشاد مهر پنجم را در زیر مذبح (محل ذبح و قربانی) دیدم نفوس

آنانی را که در راه کلام خدا و شهادتی که داشتند کشته شده بودند. (۱۰) که به آواز بلند فریاد

می نمودند و گفتند که تا چند ای مولای مقدس راست گو انصاف می نمایی و انتقام خون ما را از

۱. صالح موسوی خلخالی، شرح مناقب محیی الدین عربی، ص ۲۰۸، فصل پنجم [در مناقب ابی عبد الله الحسین علیه السلام]

قال الشيخ محیی الدین: «و علی المتوحد بالهمة العلیا المتوسد بالشهود و الرضا مركز عالم الوجود سر الواجد و الموجود شخص العرفان عين العیان نور الله و سره الأتم المتحقق بالكمال الأعظم نقطة دائرة الازل و الأبد المتشخص بألف الاحد فاتحة كتاب الشهادة والى ولاية السيادة الأحدىة الجمع الوجودي الحقيقة الكلية الشهودي كهف الإمامة صاحب العلامة كفيل الدين الوارث لخصوصيات سيد المرسلين الخارج عن محيط الأين و الوجود إنسان العين لغز الإنشاء مضمون الإبداع مذوق الأذواق و مشوق الأشواق مطلب المحبتين و مقصد العشاق المقدس عن كل الشين ابی عبد الله الحسین صلوات الله و سلامه عليه».

ترجمه: صلوات نامیات حضرت حق تعالی شأنه و تحیات زاکیات ملائکه و حاملین عرش بر آن ذات پاک و گوهر تابناک باد که در میان افراد کائنات با همت علیای خود متوحد و در مقامات قرب حق به وساده شهود و رضا متوسد است او است مرکز عالم وجود و حقیقت واجد و باطن موجود است شخص مجسم معرفت و حقیقت آشکار و نور حضرت کردگار سر اتم الهی و دارای کمال اعظم غیر متناهی، مرکز دایره ازل و ابد که در اولیة وجود متلبس است به لباس تشخص. الف احد آغاز کتاب ناسوت شهادت. والی ولایت ملکوت سیادت. در مقام جمع الجمع وجودی صدر نشین محفل احدیت. در منزل فرق الفرق شهودی، حقیقت کلیه موجود بهر کثرت. كهف امامت صاحب علامت، نگهبان دین وارث مختصات حضرت سید المرسلین. خود، رتبه آن ذات پاک بالاتر از رفعت افلاك است و بیرون از عالم زمان و خارج از فضای مکان و در معنی چشم بینای حقیقت هستی را انسان. چگونه شرح این حقیقت توانم داد که لغز و معمای عالم ایجاد است و حاصل مضمون نشأة ابداع ذوق بخشنده اذواق و به شوق آورنده اشواق، مطلب احباب و مقصد عشاق. منزه است از هرگونه نقص و شین بنام نامی و لقب گرامی ابی عبد الله الحسین روحنا له الفداء.

سکنه ارض نمی کشی. (می گوید: تمام شهدا را دیدم که می گویند: تا کی صبر می کنی و انتقام ما را نمی گیری؟)

همان طور که می دانیم یکی از القاب امام زمان عجل الله فرجه «منتقم» است. در دعای ندبه می خوانیم:

«أَيْنَ الطَّالِبِ بِدُحُولِ الْأَنْبِيَاءِ وَ أُنْبَاءِ الْأَنْبِيَاءِ» یعنی: کجاست آن کسی که انتقام خون انبیاء و اولاد انبیاء

را می گیرد؟

«أَيْنَ الطَّالِبِ بِدَمِ الْمَقْتُولِ بِكَرْبَلَاءَ». یعنی: کجاست خون خواه کسی که در کربلا به شهادت رسید؟

در یک جمله، امام عصر عجل الله فرجه منتقم تمام خون های بنا حق ریخته در طول تاریخ است.

(۱۱) و داده شد به هر یک از آنها جامه های سفیدی و به آنها گفته شد که اندکی دیگر تأمل نمایند. (اندکی

صبر، سحر نزدیک است!) تا هنگامی که هم قطاران آنها در بندگی و برادران آنها که چون آنها کشته می-

شوند تمام شوند. (تا تعداد شهدا به اتمام برسد.)

آیه قرآن می فرماید: ﴿مِنَ الْمُؤْمِنِينَ رِجَالٌ صَدَقُوا مَا عَاهَدُوا اللَّهَ عَلَيْهِ فَمِنْهُمْ مَن قَضَىٰ نَجْبَهُ وَمِنْهُمْ

مَنْ يَنْتَظِرُ﴾^۱ ترجمه: از مؤمنان مردانی هستند که به آنچه با خدا بر آن پیمان بستند، صادقانه وفا کردند.

برخی از آنان پیمانشان را به انجام رساندند و برخی از آنان انتظار می کشند. (برخی به شرف شهادت نایل شدند

و برخی در انتظار شهادت به سر می برند.)

(۱۲) و چون مهر ششم را گشاد ناگاه دیدم که زلزله عظیمی شد و... (۱۴) و آسمان چون

صحیفه ای پیچیده شده در گذشت و هر کوه و جزیره از مقام خود منتقل گشت. (۱۵) و سلاطین

زمین و بزرگان و اغنیا و سرداران و ارباب اقتدار و هر بنده و هر آزادی خود را در مغاره‌ها و سنگ‌های کوه‌ها پنهان نمودند. (بزرگان دنیا و سلاطین در مغاره‌ها پنهان می شدند.) (۱۶) و به کوه‌ها و سنگ‌ها می گفتند که بر ما بیفتید و ما را از صورت نشیننده تخت و غضب بره پنهان نمایید. (می گفتند: ای سنگ‌ها به روی ما بیفتید و از غضب امیرالمؤمنین عَلَيْهِ السَّلَام و امام حسین عَلَيْهِ السَّلَام ما را پنهان کنید.) (۱۷) زآنرو که روز عظیم غضبش آمده است و کیست که تاب مقاومت آورد.

روز انتقام در قرآن و روایات ما آمده است. خداوند سبحان در سوره دخان می فرماید: ﴿يَوْمَ نَبُطِشُ الْبُطْشَةَ الْكُبْرَىٰ إِنَّا مُنتَقِمُونَ﴾^۱. ترجمه: «روزی که آنان را با قدرتی بسیار سخت بگیریم، زیرا که ما انتقام گیرنده‌ایم.»

(باب هفتم / آیه ۹) و بعد از آن تگرسته گروه بسیاری را دیدم که هیچکس آن را نتوانست شمرد از هر طایفه و فرقه و قومی و زبانی که پیش تخت در حضور بره ایستاده، جامه‌های سفید پوشیده بودند و شاخه‌های نخل را در دست گرفته. (۱۰) به آواز بلند فریاد می کردند و می گفتند نجات خدای ما را که تخت نشین است و بره را است. (یعنی بر آنها ستایش می گفتند.) (۱۱) و همگی ملائکه در دور تخت و بزرگان و آن چهار حیوان که ایستاده بودند در پیش تخت بر رو افتادند و خدا را سجده نمودند. (۱۲) و گفتند آمین برکت و جلال و عقل و شکر و عزت و توانایی و قدرت تا ابدالآباد خدای ما را است آمین. (۱۳) و یکی از آن بزرگان مرا مخاطب ساخته گفت این سفید پوشان کیان اند و از کجا می آیند؟ (۱۴) من او را گفتم خدیوا (بزرگا) تو می دانی مرا گفت آنان اند که از عذاب شدید می آیند و در خون بره جامه‌های خود را شستند و سفید نمودند. (یعنی در

عزای امام حسین علیه السلام شرکت کردند). (۱۵) از این جهت پیش تخت خدایند و شب و روز در هیکل او بندگی اش می نمایند. (یعنی آن طرف دائماً در محضر خداوند هستند). (۱۶) و دیگر نه گرسنه خواهند بود و نه تشنه خواهند بود و آفتاب و هیچ حرارتی بر آنها نخواهد تابید.

این عبارت اشاره دارد به آیه قرآن که می فرماید: ﴿لَا تَطْمَأُ فِيهَا وَلَا تَضْحَى﴾^۱ نه آفتاب بر آنان می تابد و نه تشنه می شوند و نه حرارتی آزارشان می دهد.

(۱۷) ز آنرو که آن بره که در وسط تخت است آنها را خواهد چرانید (یعنی به آنها لطف خواهد کرد.) و به چشمه های زنده آب آنها را راه نمایی خواهد نمود (حوض کوثر) و خدا هر اشکی را از چشم های آنها محو خواهد نمود.

در روایت آمده است: روزی رسول خدا صلی الله علیه و آله دخترش فاطمه علیها السلام را به شهادت فرزندش امام حسین علیه السلام و مصائبی که بر او وارد می شود، خبر داد. فاطمه علیها السلام سخت گریست. تا اینکه رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «یا فاطمة کُلِّ عَیْنٍ بَاکِیَةٌ یَوْمَ الْقِیَامَةِ إِلَّا عَیْنٌ بَكَتْ عَلَیْ مُصَابِ الْحُسَیْنِ فَإِنَّهَا ﴿ضَاحِكَةٌ مُسْتَبْشِرَةٌ﴾^۲ بِنَعِيمِ الْجَنَّةِ».^۳

«ای فاطمه، در روز قیامت تمام چشم ها گریان اند، مگر چشمی که بر مصیبت حسین علیه السلام گریه کرده باشد پس به درستی او خندان و شادمان به نعیم بهشتی خواهد بود.»

۱. طه: ۱۱۹

۲. عبس: ۳۹

۳. بحار الأنوار (ط - بیروت) - ج ۴۴؛ ص ۲۹۲، ح ۳۷

اینجا نیز می گوید: آنها کسانی هستند که خداوند اشک را از چشمانشان پاک کرده است و در آخرت دیگر ناراحتی ندارند.

(باب دوازدهم / آیه ۱) و علامتی عظیم در آسمان سر زد که زنی پوشیده بود خورشید را و ماه در زیر پایش بود و بر سرش تاجی بود از دوازده ستاره. این زن، خانم فاطمه زهرا علیها السلام است و تاج دوازده ستاره، به دوازده امام علیهم السلام اشاره دارد. رسول خدا صلی الله علیه و آله می فرماید: «أَنَا كَالشَّمْسِ وَ عَلِي كَالْقَمَرِ وَ أَهْلُ بَيْتِي كَالنُّجُومِ» 'من به مانند خورشیدم و علی علیه السلام به مانند ماه و اهل بیتم به مانند ستارگان اند.

(۲) و آبهستن شده از درد زه و عذاب زادن فریاد می نمود. (۳) و علامتی دیگر که در آسمان پدید آمد که ناگاه اژدهای بزرگ آتشی که هفت سر و ده شاخ داشت و بر سرهای او هفت افسر می بود. (۴) و دُمش ثلث کواکب آسمان را جاروب نموده بر زمین ریخت و آن اژدها نزد آن زن که در زادن بود، ایستاده که چون زاید بچاهش را فرو گیرد.

می گوید: اژدهایی که دُمش یک سوم ستاره های آسمان را بر زمین ریخت، آمده بود تا فرزند این زن را بخورد. مطلب نمادین است: با کشته شدن حضرت محسن علیه السلام یک سوم سادات کشته شدند. پس کلی از ستارگان آسمان را ریخته است و می خواهد اولاد حضرت زهرا علیها السلام را که اولاد پیغمبر صلی الله علیه و آله هستند از بین ببرد.

در طول تاریخ بسیار تلاش شد که نسل رسول خدا ﷺ را از بین ببرند. این اتفاقات به تفصیل در کتب تاریخ وجود دارد. به عنوان مثال «وقتی عبیدالله بن زیاد، امام سجاد علیه السلام را در میان اسیران واقعۀ کربلا دید، به یارانش گفت: مگر نگفته بودم اولاد ذکوری از نسل علی علیه السلام باقی نگذارید!»

(۵) و زایید بچه ذکوری را که به عصای آهنین بر همه طوائف حکم خواهد راند. (ایشان امام

عصر علیه السلام می باشد که بر تمام عالم، حکم خواهد کرد.) و آن بچه اش را ربوده به نزد خدا و تختش رسانیدند. (آن بچه را نزد خداوند یعنی عرش الهی بردند.)

روایت: عَنْ سَعِيدِ بْنِ الْمُسَيْبِ عَنْ أُمِّ سَلَمَةَ قَالَتْ سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ يَقُولُ: «الْمَهْدِيُّ مِنْ عِثْرَتِي مِنْ وَدِّ فَاطِمَةَ». ^۱ رسول خدا علیه السلام فرمود: مهدی علیه السلام از عترت من و از فرزندان فاطمه علیها السلام است.

روایت دیگر: «عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مَسْعُودٍ قَالَ سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ يَقُولُ: «الْأَيُّمَةُ بَعْدِي اثْنَا عَشَرَ تِسْعَةً مِنْ صُلْبِ الْحُسَيْنِ وَ التَّاسِعُ مَهْدِيهِمْ»». ^۲ رسول خدا علیه السلام فرمود: امامان بعد از من دوازده نفرند، نه نفر آنان از نسل حسین علیه السلام اند و نهمین آنان مهدی علیه السلام آنان است.

و همچنین در روایت آمده است، وقتی امام عصر علیه السلام به دنیا آمدند، امام حسن عسگری علیه السلام به خواهر بزرگوارش حکیمه خاتون فرمود: «هنگامی که پروردگار مهدی این امت را به من عطا فرمود، دو فرشته فرستاد و آنها فرزندانم را با خود به سرا پرده عرش الهی بردند، تا این که در پیشگاه خداوند متعال ایستادند. ^۳

در ادامه می گوید:

۱. الغيبة طوسي، كتاب الغيبة للحجة، ص ۱۸۵

۲. كفاية الأثر في النص على الأئمة الإثني عشر - ص ۲۳، باب ما جاء عن عبد الله بن مسعود عن النبي صلی الله علیه و آله في النصوص على الأئمة الاثني عشر

۳. بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۲۷، ب ۱، ح ۳۷

(۱۳) و چون اژدها دید که بر زمین افکنده شد (اژدها یک نماد برای دشمنان پیامبر ﷺ و اهل بیت ﷺ می باشد). مزاحم شد آن زن را که بچه نرینه را زاییده بود. (۱۴) و دو پر عقاب بزرگ به آن زن داده شد تا که پیرد در بیابان به مقام خود جایی که پرورش یابد در زمان و زمانین و نصف زمان غائب از نظر مار. (اشاره داد به غیبت امام عصر عجل الله تعالی فرجه که دور از چشم ستمگران پرورش پیدا می کند). (۱۵) و مار در عقب زن چون رود آب از دهن خود می ریخت تا آن که او را سیل فرو گیرد. (۱۶) و زمین زن را حمایت نموده بلکه زمین گشاد دهن خود را و آن رودی را که اژدها از دهنش ریخت فرو گرفت. (یعنی آن مار می خواست آن زن را در سیل از بین ببرد. اما زمین دهان باز می کرد و آن سیل را در خود فرو می برد). (۱۷) و اژدها بر آن زن غضب نموده رفت تا با باقی از نسلش که احکام خدا را نگاه می دارند و شهادت عیسی مسیح را دارند جنگ نماید. (می-گوید: اژدها رفت تا اولاد آن زن را بکشد که منظور کشتن اولاد امیر مؤمنان علیه السلام و شیعیان ایشان است که در طول تاریخ، تعداد بسیاری از ایشان به قتل رسیدند).

(باب سیزدهم / آیه ۴) و آن اژدها را که قدرت به آن حیوان بخشید پرستیدند و آن حیوان را نیز پرستیدند (می گوید: افرادی بودند که اژدها را می پرستیدند منظور پیروان همین ظالمان دنیاست.) و گفتند: که کیست که مثل این حیوان است و کیست که تواند با او جنگید. (یعنی چه قدرتی و چه اقتداری دارد!). (۵) و به وی داده شد که به الفاظ بلند کفر آمیز تکلم نماید و تا مدت چهل و دو ماه قدرت جنگ به وی داده شد. (چهل و دو ماه اشاره دارد به سلطنت یزید که وی سه سال و اندی حکومت کرد و در این مدت هرگونه کفر گویی و جنایتی را مرتکب گردید. در سال اول

امام حسین علیه السلام را به شهادت رسانید؛ در سال دوم در واقعه حرّه، اهل مدینه را قتل عام کرد و در سال سوم با منجیق کعبه را خراب کرد). (۶) و دهان خود را به کفر بر خدا گشاد تا آن که کفر گوید بر اسمش و بر مسکنش و بر ساکنان آسمان. (۷) و قدرتی به وی داده شد که با مقدسان جنگ نماید و آنها را زبون سازد. (یعنی اولیاء خدا را خوار کند.) و قدرت بر هر قبیله و زبانی و طائفه به وی داده شد. (۸) و خواهند پرستید او را همگی ساکنان زمین که اسمای آنها در کتاب حیات بره ذبیح از بنای عالم مرقوم نشده است. (می گوید: نام کسانی که او را می پرستند، در کتاب بره ذبیح نیست.)

در روایات ائمه علیهم السلام آمده است که اسامی شیعیان ما در کتابی نزد ما اهل بیت علیهم السلام ثبت است.

از جمله روایتی از امام حسین علیه السلام هست که می فرماید: بر پیامبر صلی الله علیه و آله وارد شدم در حالی که ابی کعب نیز در محضر پیامبر صلی الله علیه و آله بودند. حضرت صلی الله علیه و آله به من فرمود: مرحبا یا ابا عبدالله ای زینت زمین و آسمان، خداوند از دورترین شهرها به تعداد اهل بدر یعنی سیصد و سیزده مرد برای مهدی علیه السلام سپاه گرد آورد. او نوشته ای در دست دارد که لاک و مهر شده و در آن تعداد و اسامی اصحاب او و نیز نسب شهرهای آنها و خلق و خوی، وضع ظاهری، چهره و قیافه و نیز کنیه آنان ثبت شده است. این نفرات، جنگاور بوده، در اطاعت و فرمانبرداری از او کوشا هستند و مُجدّانه عمل می کنند.^۱

۱. کمال الدین و تمام النعمة؛ ج ۱؛ ص ۲۶۴، ح ۱۱

عَنْ أَبِيهِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ عليه السلام قَالَ: دَخَلْتُ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ صلی الله علیه و آله وَ عِنْدَهُ أَبِي بُنْتُ كَعْبٍ فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله مَرْحَبًا بِكَ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ يَا زَيْنَ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ: يَجْمَعُ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ لَهُ مِنْ أَقْصَايِ الْبِلَادِ عَلَى عَدَدِ أَهْلِ بَدْرٍ ثَلَاثِمِائَةٍ وَ ثَلَاثَةَ عَشَرَ رَجُلًا مَعَهُ صَحِيفَةٌ مَخْتُومَةٌ فِيهَا عَدَدُ أَصْحَابِهِ بِأَسْمَائِهِمْ وَ أَنْسَابِهِمْ وَ بُلْدَانِهِمْ وَ صَنَائِعِهِمْ وَ كَلَامِهِمْ وَ كُنَاهُمْ كَرَّوْنَ مُجِدِّوْنَ فِي طَاعَتِهِ.

اینجا نیز می گوید: اسم کسانی که دنبال آن ازدها هستند، یعنی دنبال آن ستمگرند، در کتاب بره ذبح شده، یعنی در کتاب امام حسین علیه السلام ثبت نشده است. پس کسانی که به دنبال آن ظالم حرکت می کنند، جزو شیعیان حضرت علیه السلام نیستند.

(باب چهاردهم / آیه ۱) و دیدم که ناگاه بره بر کوه صیون ایستاده است و با وی بودند یک صد و چهل و

چهار هزار که اسم پدرش را بر پیشانی خود ثبت نموده داشتند. (نام پدر امام حسین علیه السلام ، علی علیه السلام است.

می گوید: بر روی پیشانی هایشان نام ((علی علیه السلام)) نوشته بودند.)

(باب نوزدهم / آیه ۱۱) و دیدم آسمان را گشاده و ناگاه اسب سفیدی که سوارش به راست و

حقیقی هستی است. (یعنی آن سوار، راست و حقیقی نامیده شده است.) و به حق انصاف و جنگ

می نماید. (یعنی به حق می کشد و او کسی جز امام عز و جلاله نیست.)

خداوند در قرآن می فرماید: ﴿وَتَمَّتْ كَلِمَتُ رَبِّكَ صِدْقًا وَعَدْلًا﴾^۱ یعنی تمام شد کلمه پروردگارت، به

صدق و عدل. که در روایت آمده است: این آیه بر بازوی امام علیه السلام، هنگام تولدش نوشته شده است.^۲

اینجا نیز می گوید: آن سوار، نامش صدق و حقیقت بود.

(۱۲) و چشمهایش چون شعله آتش و بر سرش افسرهای بسیار و نامی مرقوم بود که هیچ کس

نمی فهمید جز خودش. (می گوید: یک اسمی بر روی کلاه خودش نوشته شده بود که جز خودش

۱. الأنعام: ۱۱۵

۲. بصائر الدرجات فی فضائل آل محمد علیهم السلام ، ج ۱، ص ۴۳۱ / الکافی (ط - الإسلامية) ؛ ج ۱؛ ص ۳۸۵، باب مَوَالِدِ الْأَيْمَةِ علیهم السلام

عَنْ أَبِي بَصِيرٍ قَالَ حَجَجْنَا مَعَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام : ... وَ إِذَا سَكَنتِ التُّطْفَةُ فِي الرَّحِمِ أَرْبَعَةَ أَشْهُرٍ وَأُنشِيَ فِيهَا الرُّوحُ بَعَثَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى مَلَكًا يَقَالُ لَهُ - حَيَوَانُ فَكَتَبَ عَلَيَّ عَضُدِهِ الْأَيْمَنِ «وَتَمَّتْ كَلِمَةُ رَبِّكَ صِدْقًا وَعَدْلًا» (انعام / ۱۱۵)

از ابو بصیر روایت کرده است که گفت: با امام جعفر صادق علیه السلام: و چون نطفه امام، چهار ماه در رحم قرار گیرد و روح در آن ایجاد شود، خدای تبارک و تعالی فرشته را بفرستد که او را حیوان می گویند، پس بازوی راست او بنویسد که: «وَتَمَّتْ كَلِمَةُ رَبِّكَ صِدْقًا وَعَدْلًا لَا مُبَدَّلَ لِكَلِمَاتِهِ وَ هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ»^۲، یعنی: «و تمام شد سخن پروردگارت تو (یعنی: به نهایت کمال رسید و به غایت انجامید)

هیچ کس نمی دانست آن نام چیست). (۱۳) و جامه‌ای پوشیده بود که در خون رنگ شده بود و اسمش به کلمه الله مستی بود.

می گوید: اسمش کلمه الله بود. ﴿وَتَمَّتْ كَلِمَتُ رَبِّكَ صِدْقًا وَعَدْلًا﴾ امام زمان عجل الله فرجه کلمه الله است. «كَلِمَةُ اللَّهِ هِيَ الْعُلْيَا» یعنی امام عصر عجل الله فرجه از همه بالاتر است. می گوید: این آقای که بر اسب سفید، به حقیقت و راستی می جنگید، کلمه الله بود.

(۱۴) و سپاهیان آسمانی بر اسبان سفید سوار شده و حریر سفید درخشانده پوشیده در عقبش می بودند. (یعنی سپاهیان به دنبالش می آمدند). (۱۵) و از دهنش شمشیر تیز بیرون می آمد که قبائل را به آن زَنَد و بر آن‌ها به عصای آهنین حکمرانی خواهد کرد. (این مطلب در مورد آینده است.) در ادامه می گوید:

(باب بیست و یکم / آیه ۵) و نشیننده تخت گفت الحال من هر چیز را از نو می سازم. (یعنی جهان را دوباره می سازم.) و مرا گفت بنویس زیرا که این سخنان، راست و محقق است. (۶) و مرا گفت که من هستم ألفا و أمگا و ابتدا و انتها. (امیرالمؤمنین علیه السلام می فرماید: «أَنَا الْأَوَّلُ وَ أَنَا الْآخِرُ وَ أَنَا الْبَاطِنُ وَ أَنَا الظَّاهِرُ») و من تشنه را مُفَت از چشمه آب حیات خواهم داد. (ساقی کوثر،

امیرالمؤمنین، علی علیه السلام است که تشنگان را در عالم آخرت سیراب می نماید.)

بعد در مورد اتفاقات زمان ظهور حضرت عجل الله فرجه می گوید:

(۲۳) و آن شهر محتاج به آفتاب و ماه نیست که در او بتابد زیرا که جلال خدا او را روشن

نموده است و چراغش بره است.

در ذیل آیه ﴿وَأَشْرَقَتِ الْأَرْضُ بِنُورِ رَبِّهَا﴾^۱ و زمین به نور پروردگارش نورانی می شود، روایتی هست که می فرماید: وقتی امام زمان علیه السلام تشریف می آورند، «ذَهَبَتِ الظُّلْمَةُ» ظلمت از بین می رود، «وَ اسْتَعْنَى الْعِبَادُ عَن ضَوْءِ الشَّمْسِ» و مردم از نور خورشید بی نیاز می شوند.^۲

این روایت دقیقاً عین عباراتی است که در این کتاب آمده است. می گوید: آن شهر محتاج به آفتاب و ماه نیست که در آن بتابد، زیرا جلال خدا آن را روشن نموده است و چراغش بره است. یعنی امام حسین علیه السلام نور ده زمین است و زمین به یمن وجود امام حسین علیه السلام روشن است.

(باب بیست و دوم / آیه ۳) و در آنجا هیچ لعنت نخواهد بود و در آن خواهد بود تخت خدا و بره و بندگانش بندگی او را خواهد نمود. (۴) و صورتش را خواهند دید و اسمش بر جبین آنها خواهد بود. (یعنی جمال او را خواهند دید و نام بره یعنی نام امام حسین علیه السلام روی پیشانی هایشان نوشته خواهد شد؛ مانند الآن که ما روی پیشانی هایمان «یا ابا عبدالله علیه السلام» و «یا صاحب الزمان علیه السلام» می نویسیم). (۵) و شب در آنجا نخواهد بود و محتاج به چراغ و نور آفتاب نیست زیرا که خداوند خدا آنها را روشن می سازد و تا ابد الابد سلطنت خواهد نمود. (إن شاء الله)

۱. الزمر: ۶۹

۲. مفید، محمد بن محمد، الإرشاد في معرفة حجج الله على العباد - ج ۲؛ ص ۳۸۱

و رَوَى الْمُفَضَّلُ بْنُ عَمْرِو قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام يَقُولُ إِنَّ قَائِمَنَا إِذَا قَامَ «أَشْرَقَتِ الْأَرْضُ بِنُورِ رَبِّهَا» وَ اسْتَعْنَى الْعِبَادُ عَن ضَوْءِ الشَّمْسِ وَ ذَهَبَتِ الظُّلْمَةُ وَ يُعَمَّرُ الرَّجُلُ فِي مُلْكِهِ حَتَّى يُوَلَّدَ لَهُ أَلْفٌ ذَكَرٍ لَا يُوَلَّدُ فِيهِمْ أَنْتَى وَ تُظْهِرُ الْأَرْضُ كُنُوزَهَا حَتَّى يَرَاهَا النَّاسُ عَلَى وَجْهِهَا وَ يُطَلَّبُ الرَّجُلُ مِنْكُمْ مَنْ يَصِلُهُ بِمَالِهِ وَ يَأْخُذُ مِنْهُ زَكَاتَهُ فَلَا يَجِدُ أَحَدًا يَقْبَلُ مِنْهُ ذَلِكَ اسْتَعْنَى النَّاسُ بِمَا رَزَقَهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ.

کتاب «مکاشفات یوحنا» آخرین کتابی است که مسیحیان آن را قبول دارند. آنان مطالب این کتاب را تأویل می کنند و با حضرت عیسیٰ ﷺ مطابقت می دهند، ولی اگر با روایات شیعه آشنا بودند، متوجه می شدند تمام اموری که جناب یوحنا دیده است، در مورد اهل بیت پیامبر ﷺ، امام عصر عجل الله فرجه و حکمرانی ایشان بر کل عالم می باشد.

«أَفْضَلُ أَعْمَالٍ شِيعَتِنَا أَنْتَظَرُ الْفَرَجَ»^۱ افضل اعمال شیعیان ما این است که منتظر فرج باشند. إن شاء الله

ما نیز جزو منتظران فرج باشیم و در دولت کریمه ایشان بندگی خدا کنیم.

«وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ»

۱. کمال الدین و تمام النعمة، ج ۲، ص: ۳۷۷، ح ۱ / بحار الأنوار (ط - بیروت)؛ ج ۵۱؛ ص ۱۵۶